



اسلام در مکه

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ
يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنَّ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

اوست خدایی که میان اعراب امی (که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیامبری
بزرگوار از میان همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند
و آنها را از جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت و حکمت الهی بیاموزد
که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.

فهرست:

(۱) مقدمه

(۲) اوضاع عربستان در عصر بعثت

الف- موقعیت جغرافیایی عربستان

ب- نژاد عرب

ج- اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی

د- موقعیت زن و خانواده در میان اعراب

ه- مذهب در عربستان

و- افسانه پرستی نزد عرب و مبارزه اسلام با این خرافات

ی- علم و دانش در حجاز

(۳) بعثت حضرت محمد

الف- دعوت خاص و عمومی

ب- تحریم و محاصره اجتماعی و اقتصادی بنی هاشم

ج- اندیشه پایگاه جدید برای اسلام



۴) اوضاع امپراطوری روم شرقی در عصر بعثت

الف- موقعیت جغرافیایی روم

ب- نوع حکومت روم شرقی

ج- مذهب و علم و فلسفه

د- تمدن روم شرقی

۵) اوضاع دیگر کشورها در عصر بعثت

الف- فرانسه

ب- اسپانیا

ج- مصر

د- هندوستان

هـ- چین

ی- ژاپن



مقدمه:

بعثت به معنای نوعی برانگیختگی و بیداری درونی است که موجب حرکت و انقلاب و تحول نفسانی می شود.

برای بدست آوردن ارزش نهضت مقدس اسلام، مطالعه اوضاع محیط حائز اهمیت است:

➤ محیط نزول قرآن ، محیطی که اسلام در آنجا پیدا شد و رشد و نمو نمود.

➤ بررسی افکار مردمی که در تمدن ترین نقاط جهان آن روز می زیستند.



اوضاع عربستان در عصر بعثت:

➤ خدا، محمد(ص) را فرستاد تا جهانیان را از راه و رسمی که در پیش گرفته اند بیدار کند و او را امین دستوره‌های آسمانی خود قرارداد. در آن حال، شما ای گروه عرب! بدترین دین داشتید و در بدترین سرزمین زندگی می کردید. بتهاد در میان شما برپا بود و گناهان، دست و بال شما را بسته بود.

نهج البلاغه

الف) موقعیت جغرافیایی عربستان:

عربستان، شبه جزیره ای است وسیع که در جنوب غربی آسیا قرار گرفته و دریای سرخ، اقیانوس هند و خلیج فارس از سه طرف آن را احاطه کرده است.

ب) نژاد اعراب:

اکثر ساکنان جزیره العرب که از دیرباز عرب خوانده می شدند از نژاد سامی بودند. تقریباً یک ششم مردم عربستان شهرنشین بودند و دیگر ساکنین عربستان، اعراب صحرائنشین و بیابانگرد بودند. اصولاً عرب بیابانی قابل کنترل نبود و کمتر تحت تاثیر افکار و زندگی و تمدن دیگران قرار می گرفت.





ج) اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی:

اعراب بدوی تابع حکومتی نبودند و نظم سیاسی نداشتند و اساس ملیت و جامعه آنان را قبیله تشکیل می داد. گاه بین فرزندان رئیس قبیله و برادرها و احیانا سایر نزدیکان بر سر احراز این سمت کشمکش درمی گرفت و کار به جنگ و خونریزی می کشید.

سطح فرهنگ این قوم کوچ نشین بسیار نازل بود و از هنرها و علوم متعارف خبر نداشتند. تنها در یک جنبه بسیار قوی بودند و آن داشتن زبان فصیح و قدرت بیان عظیم بود. جامعه عرب در آن زمان بر چند مفهوم اخلاقی چون: شجاعت، بردباری در مصائب، مهمان نوازی و پافشاری در انتقام و... استوار بود. اعراب قبل از اسلام نمونه کامل انسان طمع کار و حریص بودند و علاقه فراوانی به مادیات داشتند.

اوضاع اقتصادی عربستان متأثر از موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی و اقلیمی بود. اغلب از طریق پرورش بز، شتر و راهزنی زندگی خود را می گذراندند. در طائف، یثرب و یمن کشاورزی وجود داشت. مکه مرکز اصلی بازرگانی به شمار می رفت چون سر راه یمن به شام قرار داشت.

تعصبات قبیله‌گی: اعراب به صورت قبایل جدا بودند. کشتن افراد و زدیدن زنان جزو حقوق قانونی آنان بود. افراد بسیار وابسته به قبیله بودند و بزرگ کردن قبیله و افتخارات آن از نمودهای تعصبات قبیله ای بود که موجب جنگ و خونریزی می شد.

غارت: از حقوق قانونی و راههای رسمی امرار معاش بود و این رسم تقریباً عمومی و جز سندهای افتخارانان بود. عرب با پذیرفتن اسلام از حکومت قبیله ای به حکومت جهانی قدم گذاشت و پیامبر اسلام توانست از قبایل پراکنده عرب امتی تشکیل دهد.



د) موقعیت زن و خانواده در میان اعراب

زن محرومیت عجیبی در میان آنان داشته و بافجیع ترین وضع زندگی می کرده است. زن مانند کالا خرید و فروش می شد و از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی، حتی حق ارث محروم بود و زن در شمار حیوانات قرار داشت.

اسف انگیزتر از همه نظام ازدواج آنان بود که در جهان نظیری نداشت. ازدواج خیلی زود و حتی اغلب در سنین هشت، نه سالگی دختر انجام می شد. تعدد زوجات بدون قید و شرطی رواج داشت. ازدواج با زن پدر منع قانونی نداشت. هنگامی که از شوهر خود طلاق می گرفتند، حق ازدواج منوط به اذن شوهر اول بود.

ه) مذهب در عربستان:

مردم آن روز دارای مذہبهای گوناگون و بدعتهای مختلف و طوائف متفرق بودند. تقریباً هر قبیله ای خدایی خاص خود داشت که محور زندگی دینی و معبود بی واسطه ایشان به شمار می رفت.

بت پرستی دین رایج عرب بود. علاوه بر بت‌های قبیله ای و خانگی به تعداد روزهای سال بت می پرستیدند و حوادث هر روز را به یکی از آنها وابسته می دانستند.

با وجود این بانام (الله) آشنا بودند و بعضی از آنان تصور خدای اصلی و خالق را داشتند و بت‌ها را به امید اینکه واسطه و شفیع آنان پیش (الله) باشند پرستش می کردند.

در مورد طرز تفکر اعراب درباره انسان پس از مرگ باید اشاره کنیم که :

عقیده به قیامت کمتر در بین آنها به چشم می خورد. بعضی معتقد بودند که روح وقتی از بدن جدا شده صورت مرغی درمی آید که در اطراف قبر پروازی کند و نوحه سرایی می نماید و اخبار فرزندان را به اطلاع او می رساند.



و) خرافات و افسانه پرستی نزد عرب و مبارزه اسلام با آن:

قرآن، یکی از هدفهای مقدس بعثت پیامبر را اینگونه بیان می کند: (پیامبر اسلام تکالیف شاق و غل و زنجیر های راکه بر آنهاست برمی دارد.)

مبارزه پیامبر بابت پرستی نمونه بارز مبارزه با خرافه و افسانه بود. نمونه هایی از خرافه پرستی: آتش افروزی برای آمدن باران، شتری را در کنار قبری حبس می کردند تا صاحب قبر هنگام قیامت پیاده محسورشود.

ی) علم و دانش در حجاز:

مردم حجاز را مردم (امی) به معنی درس نخوانده می خواندند. یعنی یک فرد به همان حالتی که از مادر زائیده شده است، باقی بماند. در دوران طلوع اسلام، در میان قریش فقط هفده نفر توانایی خواندن و نوشتن داشتند و در مدینه در میان دو گروه اوس و خزرج، فقط یازده نفر دارای چنین کمالی بودند.



وَصَلَّىٰ
اللَّهُ
عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ

مَلَكًا

بعثت حضرت محمد:

حضرت محمد در ۲۷ رجب در سن چهل سالگی در غار حرا و با نزول نخستین آیات سوره علق به پیامبری مبعوث شد.

الف) دعوت خاص و عمومی:

پیامبر در آغاز به طور محدود افراد را به پرستش خدا دعوت می کرد و دعوتش را از خانواده خویش آغاز کرد. حضرت خدیجه و امام علی و زید بن حارثه نخستین ایمان آورندگان به او بودند و ابوبکر نخستین فرد بیرون از خانواده پیامبر بود که اسلام آورد. و بعد به تدریج قشرهای جوان و فقیر دعوت او را پذیرفتند. بعد از سه سال دعوت خود را آشکار کرد و نخست خویشان و سپس عموم را فرا خواند اما سران قریش نپذیرفتند و اعلام کردند از آداب اجداد خود دست برنی دارند و شروع به مخالفت کردند.

ب) تحریم و محاصره اجتماعی و اقتصادی بنی هاشم:

سران قریش از ابوطالب عموی پیامبر خواستند که از پیامبر حمایت نکند ولی او نپذیرفت پس تصمیم گرفتند خاندان بنی هاشم را محاصره اجتماعی و اقتصادی بکنند. هدف آن بود که ابوطالب و طایفه او پیامبر را تنها گذارند. در این تحریم آنان نوشتند هیچ کس حق رابطه اجتماعی از قبیل ازدواج و رابطه اقتصادی مانند خرید و فروش را با خاندان بنی هاشم ندارد. بنی هاشم به مدت سه سال به شعب ابی طالب پناه بردند.

ج) اندیشه پایگاه جدید برای اسلام:

سال دهم بعثت پیامبر دو حامی بزرگ خود حضرت خدیجه و ابوطالب را از دست داد و این باعث شد که آزار سران قریش بیشتر شود. با تشدید آزار مشرکان گسترش اسلام در مکه با موانع اساسی رو به رو شد. پس پیامبر به فکر هجرت از مکه افتاد و راهی طائف شد. طائف شهری ثروتمند بود و با بزرگان مکه رابطه اقتصادی داشت. آنها از پیامبر استقبال نکردند و با بی احترامی او را از شهر بیرون کردند. بعد از آن پیامبر تصمیم گرفت که در مراسم حج تعدادی از مردم خصوصا مردم یثرب را به اسلام دعوت کنند و این واقعه زمینه ساز هجرت تاریخی پیامبر شد.



اوضاع امپراطوری روم شرقی در عصر بعثت:

الف) موقعیت جغرافیایی روم:

امپراطوری روم شرقی وارث امپراطوری روم غربی بود. مرکز این امپراطوری قسطنطنیه بود. قسطنطنیه شهری مسیحی بود و در ساختمان این شهر آثاری از بتکده های قدیم شهرهای دیگر روم نیست.

ب) نوع حکومت روم شرقی:

در برخی از کشورها جمعی بیکار و هوسران یک سلسله مسایل پوچ و بی معنی را به منظورهای غیر صحیح مطرح میسازند (عمرگرا نهی مردم راهدومی دهند) اتفاقاً روم آن روزبیش از همه گرفتار این نوع مسائل بود. همین مسائل لطمه شدیدی بر استقلال روم زد و شکافی در میان آنان ایجاد کرد، به طوری که دستگاه حاکمه مجبور بود از عقاید خود دفاع کند و مخالفان را سخت تحت تعقیب قرار می داد که فشارهای روحی سبب شد که برخی به دولت ایران پناه ببرند.

بعد از مرگ یکی از امپراطورهای روم، روم دچار هرج و مرج شد. حکومت به فساد اداری، اخذ مالیاتهای گزاف و عفوهای مجازاتهای هوسبازانه کشیده شد. از این رو مردم ناراضی، ارتش تحلیل رفته، خزانه تهی و خرابیهای ناشی از جنگهای پی در پی موجبات انحلال امپراطوری را فراهم کردند.



ج) مذهب، علم و فلسفه:

دین رسمی امپراطوری روم مسیحیت بود. فرقه های مختلف مسیحی درباره حقیقت ذات عیسی (ع) بحثهای فراوانی داشتند. در آن زمان علم فقط در انحصار کلیسا بود. کلیسا با امپراطور حاکم بر جان و فکر و مذهب مردم بودند.

د) تمدن روم شرقی:

* **تجارت و صنعت:** قسطنطنیه از قرن پنجم به بعد بزرگترین بازار و مرکز کشتیرانی جهان بود.

* **دهقانان:** دهقانان می توانستند مالک زمین باشند اما به علل گوناگون مانند خشکسالی و سیل و... در تابعیت زمین داران بزرگ بودند.

* **کارگران:** برای فرار از گرسنگی جبراً تن به کار با مزد کم می دادند.

* **طبقات:** اشراف از راه مالکیت زمین و بازرگانان از راه معاملات، چندان ثروتمند شده بودند که کاملاً از طبقات دیگر متمایز بودند و طبقات دیگر گرفتار مالیاتهای سنگین، مزد کم و... بودند.

* **زن:** روابط نامشروع جنسی شایع بود به طوری که برخی از مورخین تقریباً همه زنان آن زمان را

فاسدمی دانند.





اوضاع دیگر کشورهای جهان در عصر بعثت:

الف) فرانسه در عصر بعثت: در خلال سالهای ۵۱۱ تا ۶۱۴ م در سرزمین فرانسه سلسله مروونژین حکومت داشتند . شاهان به قتل نفس ، پدرکشی ، برادرکشی ، شکنجه دادن ، خیانت وزنا و... دلخوش بودند. قوانین جزایی بسیار غیر انسانی و منحط بود در این وضع مشوش تعلیم و تربیت تقریباً رخت بر بسته بود. خواندن و نوشتن امری تجملی و مخصوص روحانیون بود.

ب) اسپانیا در عصر بعثت: در قرن ششم میلادی این کشور به دست ویزیگوت ها اداره می شد. مردم فرودست به دست فرادستان استثمار می شدند . شکاف عمیق بین توانگران و بینوایان ، بین مسیحیان و یهودیان ، مردم رابه سه دسته تقسیم کرده بود.

ج) مصر در عصر بعثت: کشور مصری سال پیش از مسیح در قلمرو امپراطوری روم درآمد. در دوران تسلط رومیان مصریان حق نداشتند که به مقامات عالی حکومت برسند و مالیاتهای سنگین بر آنها تحمیل می شد. مصریها آن سوابق درخشان علمی در پنجه رومیان و یونانیها قرار گرفته بود که به عناوین مختلف می کوشیدند تا مردم را بی حرکت نگاه دارند تا بتوانند از آنها بهره برداری کنند.



د) هندوستان در عصر بعثت: هند، با تمدنی که سابقه اش به سی تا چهل قرن پیش از میلاد می رسد سرزمین غریب و عجایب و تضادها است. کیش ها و مکتبهایی به خود دیده که تمام مراحل را از خرافی ترین صورت فکری گرفته تا لطیف ترین و روحانی ترین مشربهای عرفانی و یکتاپرستی طی کرده اند نوع حکومت هند سلطنت استبدادی بود. در اوایل قرن ۷ سه دین هندو (قدیمی ترین دین در هند) جینیسم، بودیسم در هند وجود داشت. زنان در مکتبهای هندی وضع رضایت بخشی نداشتند.

ه) چین در عصر بعثت: بسیاری معتقدند که روی هم رفته ، تاریخ چین در مقایسه با سایر کشورها افتخار آمیزترین امتیازات را داراست . در چین بیش از آن که به فرداهمیت داده شود، جامعه مورد توجه قرار داشت. آموزش و پرورش همگانی بود. حکومت چین مخلوطی از اریستوکراسی و دموکراسی بود . مقررات چینی چهار طبقه برای مردم شناخته است: دانشمندان ، کشاورزان ، صنعتگران ، بازرگانان و کسبه. اساس اقتصاد چین را کشاورزی تشکیل می داد. رژیم بردگی در چین وجود داشت. زن چینی ارزش و اعتبار داشت ولی مقررات، عادات ظالمانه ای او را در اجتماع چین از بسیاری حقوق انسانی محروم می ساخت.

ی) ژاپن در عصر بعثت: نظام حکومتی ژاپن، سلطنتی بود و امپراتور جنبه الهی داشت. ژاپن با برخلاف چینها دانش دوست، دانش محض رانکوهش می کردند. مردم ژاپن در عهد ملوک الطوائفی به چهار طبقه تقسیم می شدند: طبقه سامورایی، طبقه صنعتگران، طبقه کشاورزان و طبقه بازرگانان. در ژاپن پدراقتدار مطلق بر خانواده بود. مذهب اصیل وبومی ژاپن شین تو است که دارای پیغمبر و کتاب و مقررات و مراسم نبود.



نتیجه بحث:

به طور خلاصه در ارزیابی اوضاع جهان در عصر بعثت باید گفت: ((جهان در حوزه سیاست گرفتار دولت هایی اقتدارگرا و مستبد بود. در قلمرو دین چند خدایی و شرک و گاه بی خدایی و تفرقه دینی رواج داشت. در اجتماع شهروندان طبقه بندی شده بودند. فاصله فقرا با اغنیا هر روز بیشتر و بیشتر می شد. دانش و دانایی در انحصار اغنیا بود.

درست در این اوضاع تیره است که، خداوند آخرین پیام رهایی بخش خود را بر آخرین پیامبرش فر فرستاد تا به کمک آن بشریت را از قیودی که دست و پایش را بسته بود برهاند.

منابع:

جهان در عصر بعث محمد جواد باهنر و اکبر رفسنجانی

فروغ ابدیت جعفر سبحانی (جلد اول)

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی محمد رضا خسروی

تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان

بعثت مهندس مهدی بازرگان (جلد اول)

تهیه و تنظیم: آمنه محمدی دبیر تاریخ ناحیه ۲

